

آئین‌های بومی سرزمین استرآباد

آئین محرم در منطقه کتول

(موسیقی و ادبیات کتولی)



■ محمدرضا بزرگر

موسیقی‌دان و پژوهشگر

موسیقی منطقه ی کتول

چکیده

اقوام و طوایف مختلف ساکن منطقه کتول، طبق آداب و رسوم بومی خود به عزاداری می‌پردازند. ازجمله مراسم عمده‌ی آن‌ها روضه‌خوانی، توزیع نذورات، تعزیه، شبیه‌خوانی و راه‌اندازی دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی است. پرشورترین مراسم این ماه، از یکم تا دهم محرم، به ویژه در روزهای نهم، دهم و اربعین امام حسین (ع) و یارانش است، که با مراسم سینه‌زنی، غلم‌گردانی و تعزیه‌خوانی برگزار می‌شود. عموم مراسمی که در این ایام برگزار می‌شود، به نوعی با موسیقی و ادبیات کتولی همراه است؛ چنان‌که می‌توان گفت حفظ آئین‌های اصیل و بومی عزاداری ایام محرم در کتول، می‌تواند در حفظ گوشه‌هایی از ادبیات و موسیقی این منطقه تأثیرگذار باشد. در مقاله پیش‌رو بخشی از مراثی کتولی، به همراه آوانویسی آن‌ها ارائه خواهد شد.

واژگان کلیدی: کتول- موسیقی کتولی- ادبیات کتولی- محرم در کتول- آئین‌های عزاداری در کتول.

■ مقدمه

از ویژگی‌های بافت هنر و موسیقی ایرانی به ویژه موسیقی مذهبی ایران، سادگی و بی‌پیرایگی آن است. ارتباط موسیقی مذهبی و آیینی ایران با عواطف و احساسات مردم از دیرباز مورد توجه و بحث پاره‌ای از دانشمندان و موسیقی‌دانان کشورمان بوده است. خوانندگان و نوازندگانی که در این زمینه اطلاع و تخصص دارند و آن‌ها را در اجرای آثار خود به کار می‌گیرند، در کارشان موفق‌ترند.

هریک از عواطف و احساسات بشری با ریتم و نوای ویژه‌ای قابل بیان است. این گونه حساسیت‌ها و دقت‌ها در کار قدما بیشتر دیده می‌شود و عدم موفقیت مجریان موسیقی مذهبی و آیینی ایران در چند دهه گذشته در ارتباط‌گیری و تحت تأثیر قرار دادن مردم، ناشی از عدم توجه به همین اصل بوده است. به‌طور مثال ریتم آرامش و اطمینان با ریتم شادی و غم و با ریتم امید و اعتماد با بدبینی و یأس تفاوت دارد. موسیقی عاشورایی نباید با ریتمی بیان شود که به جای جلال و شکوه و ایثار و از خودگذشتگی که در ذات عاشورا و قیام حسینی نهفته است، غم، یأس سرگشتگی و بلا تکلیفی و شکست را تلقین کند. برخلاف آن چه گفته می‌شود که موسیقی مراسم عزاداری واقعه کربلا و موسیقی ردیف دستگاهی ایران غمگین و محزون است، این موسیقی نه تنها غمگین نیست، بلکه بیشتر حال و فضای عاشقانه و حماسی دارد و از طرفی اگر جنبه‌های معنوی حماسه کربلا را در نظر آوریم، شهادت: گواهی دادن و شهید: حاضر و شاهد؛ مسلماً چنین حقیقت بزرگی، افسردگی و نیستی نیست، بلکه نشاط و جاودانگی است. هدف موسیقی ایرانی هم نشانی جز از عالم غیب نیست، سرود، نیایش و نشاط معنوی است، نه افسردگی، خمودگی و تخدیر، موسیقی ایرانی مدام در مبارزه و ستیز با غم منفی یا شادی کاذب است. مردم هر جامعه‌ای متناسب با فرهنگی که دارند و شیوه‌های معیشتی که بر زندگی روزمره آن‌ها حاکم است و هم‌چنین اعتقادات، باورها و پندارهایشان، آداب و رسوم خاصی را معتبر می‌دانند و در آن‌ها شرکت می‌کنند. مراسم محرم و به ویژه روز عاشورای حسینی، یکی از فراگیرترین و معتبرترین مراسم ملی و مذهبی مردم مسلمان ایران، از گذشته تاکنون، بوده است که تقریباً اکثر اقشار، طبقات و گروه‌های اجتماعی و قومی و محلی به نحوی در آن شرکت دارند. طبیعی است که موسیقی‌ای که بدین مراسم بزرگ و ریشه‌دار مربوط می‌شود نیز، خود سبب وحدت، همبستگی و وفاق اجتماعی و همدلی مردم مسلمان می‌شود و این امر یکی از ویژگی‌ها و امتیازات موسیقی مذهبی و آیینی ایران است. موسیقی محرم؛ شکوه، جلال، زیبایی، تنوع، جذابیت و نشاط دیگری دارد که هر شنونده‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد. غم نهفته در آن نیز باشکوه و ملکوتی است.

■ محرم در منطقه کتول

در این ماه همه روستاها و شهرهای منطقه کتول نیز در غم و ماتم فرو رفته و اقشار جامعه با پوشیدن لباس سیاه و آویز کردن پرچم سیاه بر سردر خانه، مکان کسب، مساجد و حسینیه‌ها، خود را در ایام سوگواری سهیم می‌دانند.

اقوام و طوایف مختلف ساکن در کتول، طبق آداب و رسوم خود به عزاداری می‌پردازند که از جمله مراسم عمده‌ی آن‌ها روضه‌خوانی، توزیع نذورات، تعزیه و شبیه‌خوانی و راه‌اندازی دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی است.

پرشورترین مراسم این ماه، از یکم تا دهم محرم، به ویژه در روز نهم و دهم و اربعین امام حسین (ع) و یارانش است، که با برگزاری مراسم سینه‌زنی و زنجیرزنی، عَلم‌گردانی و تعزیه‌خوانی، واقعه‌ی خونین کربلا زنده نگه داشته می‌شود. هم‌چنین نذورات محرم با اشکال گوناگون هم‌چون نذر قربانی کردن گوسفند هنگام ورود علم یا در روز عاشورا و تحویل به مسجد و یا تکیه محل، جهت استفاده در غذای حسینی، همیاری در خرج و مخارج ایام محرم به صورت پول نقد یا اجناس که متداول‌ترین آن برنج و گوشت است، می‌باشد.



مراسم سینه‌زنی در روستاهای چلی، بالاچلی و تاویر



مراسم عَلم‌بندان در محله‌ی خارکلاته



طبخ غذا در دهه محرم روستای سیامرگو



عزاداری در روستای بلوک غلام



مراسم صبح روسپاه در روستای محمدآباد کتول



مراسم زنجیرزنی در روستای پیچک محله

■ مرثی کتولی

در ادامه به چند نمونه مرثی با گویش کتولی در موضوعات مختلف واقعه کربلا از سروده‌های استاد یوسفعلی بابا کردی اشاره می‌گردد.



زینب نالان مَنِم (zinabenālānmanem)

biyāmom be karbelā , berāreme yār hābuem
bani"s"-em paluye on mireme asrār hābuem
s"-ame suzāne hoseynem , be "s"-oe tār hābuem"
zinabe nālān manem , lezme pervārān manem
zinabe nālān manem , lezme pervārān manem

بیاموم به کربلا، برارمه یار هابوئِم
بَنیشِم پهلوی اُن میرِمِ اسرار هابوئِم
شَم سوزانِ حسینم، به شوئِه تار هابوئِم
زینبِ نالان مَنِم، لِمِ پرواران مَنِم
زینبِ نالان مَنِم، لِمِ پرواران مَنِم



yādegāre mertezā -o- doxtare fātemeyem
hame ālam bedānen , x oa re bā ātefeyem
man nigādāre berār -o- hamdame qāfeleyem
zinabe nālān manem , mazhare imān manem
zinabe nālān manem , lezme pervārān manem
karbelā garme vali be ximehā -o- daniye
cān ruze ke be cē"s"-me vāc cēhā xo daniye
cē"s"-mā"s"-ān mesle nodāne , vinandi su daniye
zinabe nālān manem , zinabe at"s"-ān manem
zinabe nālān manem , lezme pervārān manem

یادگارِ مرتضی و دخترِ فاطمه یم
همه عالم بدانن، خُوئِرِ باعطیه یم
من نیگادارِ برار و همدمِ قافله یم
زینبِ نالان مَنِم، مَظهِرِ ایمان مَنِم
زینبِ نالان مَنِم، لِمِ پرواران مَنِم
کربلا گرمه ولی به خیمه ها. ا. دَنیه
چَن روز که به چشَم و چَهِ ها خُو دَنیه
چشماشان مثِلِ نودانه، وینندی سودَنیه
زینبِ نالان مَنِم، زینبِ عطشان مَنِم
زینبِ نالان مَنِم، لِمِ پرواران مَنِم



māhe tābāne ali , sardāre le"s"-gar hābiye
qarqe xun -o- pāre tan , horre delāvar hābiye
nure cē"s"-māye hasan , nākām -o- parpar hābiye
zinabe nālān manem , āti"s"-e suzān manem
zinabe nālān manem , lezme pervārān manem
dame āxar berārem , sāqiy -o- yāvar nedāre
be dele"s"-e"s"-qe xoe dā , tarsi -a- kāfar nedāre
sare"s"-a- tane"s"-sibā , sari be piker nedāre

ماه تابانِ علی، سردارِ لشگرِ هابیِه
غرقِ خون و پاره تن، حُرِّ دِلاورِ هابیِه
نورِ چشمايِ حسن، ناکام و پَرِپَرِ هابیِه
زینبِ نالان مَنِم، آتیشِ سوزانِ مَنِم
زینبِ نالان مَنِم، لِمِ پرواران مَنِم
دَم آخرِ برارم، ساقی و یاورِ نداره
به دِلِش عِشْقِ خدا، تَرسِی. ا. کافرِ نداره
سَرِش. ا. تَنِشِ سیبا، سَری به پیکرِ نداره

zinabe nālān manem , zinabe hirān manem
zinabe nālān manem , lezme pervārān manem

زینَبِ نالان مَنِمِ، زینَبِ حیران مَنِمِ
زینَبِ نالان مَنِمِ، لَزِمِ پروارارن مَنِمِ



xune pakā barize , dine nabi zende hābu
vāri jadde nabie"s" , māttoye tābande hābu
qātele berāre man , resvā -o- "s" armande hābu
zinabe nālān manem , xayli mirevān manem
zinabe nālān manem , lezme pervārān manem

خونِ پاکا بَرِیزه، دینِ نبی زنده هابو
واری جَدِّ نبی اِش، مَاتُوئی تابنده هابو
قاتِلِ برارِ من، رِسوا و شرمنده هابو
زینَبِ نالان مَنِمِ، خَیْلی میروان مَنِمِ
زینَبِ نالان مَنِمِ، لَزِمِ پروارارن مَنِمِ



آمَشُو خِرَابِه اِمِبِه (am"s"o xerābe embe)

am"s"o xerābe embe , bā āh -o- nāle embe
hamrāhe bā yatimā , a pi"s"e lāle embe
am"s"o xerābe embe , bā kuhe q oe sse embe

آمَشُو خِرَابِه اِمِبِه، با آه و ناله اِمِبِه
هَمَراه با یتیمَا، آ پِیش لاله اِمِبِه
آمَشُو خِرَابِه اِمِبِه، با کوهِ غُصِه اِمِبِه



inje berār nedārem , munes -o- yār nedārem
tabib -o- yā devāi , be hāle zār nedārem
am"s"o xerābe embe , bā kuhe q oe sse embe

اینجِه برار نِدارم، مونَس و یار نِدارم
طَبیب و یا دِوایی، به حال زار نِدارم
آمَشُو خِرَابِه اِمِبِه، با کوهِ غُصِه اِمِبِه



"xerābe haste xāmu"s" , sedāye nāle be gu"s
- "hābi imāme cārem , bā q oe ssehā ham āqu"s
am"s"o xerābe embe , bā kuhe q oe sse embe
abbāse bā vefā ku ? , azize mertezā ku?
asire de"s"menāim , de cē"s"me ba hayā ku?
am"s"o xerābe embe , ba kuhe q oe sse embe

خِرَابِه هَسْتِه خاموش، صدای ناله به گوش
هابی ایمام چارم، با غُصِه ها هم آغوش
آمَشُو خِرَابِه اِمِبِه، با کوهِ غُصِه اِمِبِه
عَبّاس با وِفا کو؟، عَزِیز مَرْتِضَا کو؟
اسیر دِشْمَناییم، دِ چِشْمِ با حیا کو؟
آمَشُو خِرَابِه اِمِبِه، با کوهِ غُصِه اِمِبِه



roqayye zār -o- moztar , qarib -o- zande be sar
ammeye bavefāyem , dādāye man k oe jā dar?

رُقْیَه زار و مُضْطَر، غریب و زنده به سر
عَمّه ی با وِفا ییم، دادایِ من کُجا دَر؟

am"s"o xerābe embe , bā kuhe q oe sse embe

اَمَشُو خرابه اِمبه، باکوه غَصه اِمبه



berār age biyāi , darde mane devāi

برار آگه بیایی، درد منّه دِوایی

te karbelā , man inje , faqān -a- in jedāi

تِه کربلا، مَن اینجه، فَعان. آ. این جدایی

am"s"o xerābe embe , bā kuhe q oe sse embe

اَمَشُو خرابه اِمبه، باکوه غَصه اِمبه



(bero yavā"s"tar , berār berār) **بَرُو یَواش تر، برار برار**

بالا نیزه سَر تِه وِیتم / به دل دارن دشمناکینم

bālā nize sare te vinam / be del dāren de"s"menā kinem

خاندن پرو آبرو و دینم / پرو یَواش تر برار برار

xānden bero ābru -o- dinem / bero yavā"s"tar berār berār

سرت بالا نیزه دَر برار / پرو یَواش تر برار برار

saret bālā nize dar berar / bero yavā"s"tar berār berār



دوستن دَستامه با زنجیل / بالا روی مَن بَنیشته گیل

davesten dastāme bā zanjil / bālā ruye man bani"s"te gil

مَن زنجیل نَگَنده ویل / پرو یَواش تر برار برار

mane zanjil nak oe nande vil / bero yavā"s"tar berār berār

سرت بالا نیزه دَر برار / پرو یَواش تر برار برار

saret bālā nize dar berar / bero yavā"s"tar berār berār



نامیرما روی مَن بدین / بی چادریم موی مَن بدین

nāmiremā ruye mane badin / bi cāderem muye mane badin

چشمای بی سوی مَن بدین / پرو یَواش تر برار برار

cē"s"māye bi suye mane badin / bero yavā"s"tar berār berār

saret bālā nize dar berār / bero yavā"s"tar berār berār

سرت بالا نیزه دَر برار / پرو یَواش تر برار برار

nane dani mane bavine / x o a re hasane bavine

ننه دنی مَن بَوینه / خَوَرِ حَسَن بَوینه

kabudiye tane bavine / bero yavā"s"tar berār berār

کبودی تَن بَوینه / پرو یَواش تر برار برار

saret bālā nize dar berār / bero yavā"s"tar berār berār

سرت بالا نیزه دَر برار / پرو یَواش تر برار برار



برارمِ عَمَرِ نَبی دراز / یَتِیماتِه هِشکی نَکُنْدِ ناز

berārem emret nabi derāz / yatimāte he"s"ki nak oe nde nāz

عُقْدِه شانِه هِشکی نَکُنْدِ واز / بِرو یَواش تر بِرار بِرار

oqde"s"āne he"s"ki nak oe nde vāz / bero yavā"s"tar berār berār

سَرَت بالا نِیزِه دَر بِرار / بِرو یَواش تر بِرار بِرار saret bālā nize dar berār / bero yavā"s"tar berār berār



زُقْیَه گِیرن وایِه هَی وایِه / سِرای ما هابی ویرانِه

roqayye girn vāne hay vāne / serāye mā hābi virāne

هِشکی نَکُنْد موی ما شانِه / بِرو یَواش تر بِرار بِرار

he"s"ki nak oe nd muye mā "s"āne / bero yavā"s"tar berār berār

سَرَت بالا نِیزِه دَر بِرار / بِرو یَواش تر بِرار بِرار

saret bālā nize dar berār / bero yavā"s"tar berār berār



عَمّه جان، دادا دَنی (amme jān , dādā dani)

amme jāne man —a- dādāye mirevān vefā badim
one man hami"s"e dar nemāz —o- yā deā badim
niyyate kārā"s"e man , rezāyate xoe dā badim
amme jān dādā dani , sayyed —o- molā dani
amme jān dādā dani , sayyed —o- molā dani

عَمّه جان مَن . آ دادای میروانِ وفا بدیم
اَن مَن همیشه در نماز و یا دعا بدیم
نِیّتِ کاراشه مَن ، رضایتِ خُدا بدیم
عَمّه جان دادا دَنی، سَیّد و مولا دَنی
عَمّه جان دادا دَنی، سَیّد و مولا دَنی



amme jān dādā dani , tā ke mane nāz hākie ne
oqdehāye in dele zāre mane vāz hākie ne
bā x oe dāvande karime"s" , rāz —o- niyāz hākie ne
amme jān dādā dani , yāre bā vefā dani
amme jān dādā dani , sayyed —o- molā dani

عَمّه جان دادا دَنی، تا که مَن ناز هاگَنه
عُقده های این دل زار مَن واز هاگَنه
با خداوندِ کریمش، راز و نیاز هاگَنه
عَمّه جان دادا دَنی، یار با وفا دَنی
عَمّه جان دادا دَنی، سَیّد و مولا دَنی



amme jān dādā moqeye merdane"s"t akbar nedā"s"t	عمّه جان دادا موقی مردنش اکبر نداشت
– "yādegāre mejtebā –o- ham aliasqar nedā"s	یادگارِ مجتبا و هم علی اصغر نداشت
mire le"s"kar , sāqi –o- abbāse nāmāvar nedā"s"t	میر لشکر، ساقی و عباس نام آور نداشت
amme jān dādā dani , nure ce"s"me mā dani	عمّه جان دادا دنی، نور چشم ما دنی
amme jān dādā dani , sayyed –o- molā dani	عمّه جان دادا دنی، سید و مولا دنی



amme jān dādāye man be karbelā penā nedā"s"t	عمّه جان دادای من به کر بلا پنا نداشت
sare"s"–a- tane"s" sibā hābi vali genā nedā"s"t	سرش. آتش سیباهابی ولی گنا نداشت
hormate azize fāteme he"s"ki nigā nedā"s"t	حُرمت عزیز فاطمه هشیکی نیگ نداشت
amme jān dādā dani , g oe le mertezā dani	عمه جان دادا دنی، گل مرتضا دنی
amme jān dādā dani , sayyed –o- molā dani	عمّه جان دادا دنی، سید و مولا دنی



amme jān bālāye nize man sare dādā badim	عمّه جان بالای نیزه من سر دادا بدیم
lāleye serxe ali –o- lāleye zarā badim	لاله ی سرخ علی و لاله ی زهر ابدیم
geryehāye vaṭṭehā –o- taluye sarā badim	گریه های وچه ها و تلوی صرا بدیم
amme jān dādā dani , munese laylā dani	عمّه جان دادا دنی، مونس لایلا دنی
amme jān dādā dani , sayyed –o- molā dani	عمّه جان دادا دنی، سید و مولا دنی



amme jān sanginiye bāre asiri bake"s"im	عمّه جان سنگینی بارِ اسیری بکشیم
mezze mir –o- mahabbate badi ke naṭe"s"im	مزه ی میر و محبتِ بدی که نجشیم
tā kai bālāye xākāye xerābe bani"s"im	تاگئی بالایِ خاکایِ خرابه بنیشیم
amme jān dādā dani , pesare zarā dani	عمّه جان دادا دنی، پسر زهر ا دنی
amme jān dādā dani , sayyed –o- molā dani	عمّه جان دادا دنی، سید و مولا دنی

توضیح: به دلیل محدودیت فضای نشریه، سه مرثیه با عناوین «تِه یارِ با وفايي»، «وچه پرارم عباس»، «علي اکبرم من» و تعدادی از تصاویر حذف شده است.